

## وعده واهی رفتن به بهشتِ موهوم کشنده ترین ابزار جهت جهنم کردن دنیا شده است

(For the English translation please scroll to Page 1.)

چرخ گردش ها نماید کان نیاید در خیال

دهر بازی ها برون آرد کان نیاید در گمان

اجازه می خواهم برای ادای مطلب نوشته را با شرح واقعه ای در بازار تهران شروع کنم. بازار تهران مرکز تجارت، سیاست و دیانت ایران است و کسی که بیست سال در این بازار کار کرده باشد را می توان کاندیدای دریافت دکتر! در هر سه رشته فوق دانست. تا فردی در این محیط کار نکرده باشد نمی تواند از خصوصیات و فرهنگ و تجربیات خاص و متنوع کسب معلومات آن محیط، مطلع گردد. در مرکز بازار تهران سرائی هست به نام سرای حاجی حسن، در حدود ۷۰ سال قبل که بارانداز این سرا مملو از مال التجاره و مواد خوراکی مانند خشکبار و حبوبات غیره بود، انبار به گونه ای مورد هجوم موش قرار گرفته بود که تجار را به ستوه آورده و فعالیت شبانه روزی گربه های زیبا نیز به جایی نمی رسید.

**مش قریون علی** سرایدار گفت چند تا کوزه و موش زنده به من بدهید من بدون سم پاشی و آلوده کردن مواد خوراکی، نسل موش را در مدت کوتاهی از این سرا برمی اندازم و برانداخت؟!

به این صورت که چند تا موش زنده را بدون خوراک در کوزه انداخت و آنها از فرط گرسنگی شروع به خوردن یکدیگر کردند. بعد چهار تا از موش های قوی تر موش خور باقی مانده را در کوزه های ده تائی دیگر انداخت، در جمع در کوتاه مدت تعداد زیادی موش موش خور بدست آورد و همه آنها را در انبار رها کرد.

این موش های موش خور همه موش ها را خوردند و نسل موش از سرابرافتاد.

با شنیدن اعمال تروریست های تروریست کُش، به یاد واقعه ورود مرد دیوانه به حمام زنانه کاشان افتادم که حمامی به اتفاق خانم های داخل حمام وحشت زده از مردم خارج از حمام درخواست کمک کرده بودند.

جاهل محل می گوید من در ظرف چند دقیقه دیوانه را از حمام خارج می کنم، لنگی می بندد و طنابی مانند شلاق بدست می گیرد و وارد حمام می شود و در تاریکی به شدت شروع به زدن همه می کند. **ناگهان دیوانه از حمام بیرون می پرد** و می گوید دیوانه ای وارد حمام شده همه را می زند! (وقتی داعش آمد همه قبلی ها غلاف کردند! تا در آینده نزدیک دیوانه تر از خودشان بیاید).

داستان موش های موش خور و دیوانه های دیوانه تر از خود، مصداق امروز گروه های تند و تندتر، مدعیان دیندار و دیندارتر موجود دنیا هستند که هرگز پایانی بر اعمال قبیح آنها متصور نیست مگر علت اعمال آنها ریشه یابی گردد و با شناخت علت نفرت دینی و فرقه ای، به چاره جوئی پرداخت.

بدبختانه آدم آدم خوار و دیوانه دیوانه تر و انسان انسان ستیز روانی در دنیا فراوان است، دنیا را نگاه کنید، مسئله **جهاتی** شده، از چهار گوشه دنیا زائرین زیارت بهشت موعود! بدون آن که حتی زبان یکدیگر را بفهمند فعلا در مناطق بی صاحب به مسلخ می روند همه اینها دیوانه نیستند، به ببینیم انگیزه ایشان چیست؟ **دستورالعمل و بهانه کتبی ایشان کدام است؟** تا بتوان ریشه یابی نمود. و به آنها فهماند. **بهشت آنجاست که آزاری نباشد - کسی را با کسی کاری نباشد.** تلاش مذبحخانه فعلی دولت ها نیز سطحی است و تاثیر بنیادی نخواهد داشت چون هر کدام از این دولت ها منافی متضاد دارند. و مروجین نفرت های دینی و فرقه ای ادیان نیز در حال تدریسند!؟ چون آنها نیز منافع دائمی دارند.

یادش به خیر چرچیل گفته بود: ما دوستان دائمی نداریم، منافع دائمی داریم!

برای کسانی که ذات و ذهن و کتاب های ایشان از ابتدا آلوده به نفرت دینی و فرقه ای بوده است کتاب ها جز وسیله ای برای اعمال ظلم نیستند چون اینان کتاب ها را از نام روی جلد قضاوت می کنند در حالی که مقدس بودن یا نبودن هر کتابی بستگی به محتوای منطقی یا غیر عقلانی آن کتاب ها و رابطه منطقی نوشتار آن کتاب ها با تحول فکری و علمی زمان دارد و تا زمانی که فرضیه های مهم کتب، مبنی بر نابرابری انسان ها باستناد نابرابری باورهایشان به نام دین و فرقه مورد قبول باورمندان باشد آرامشی برای هیچ گروهی به هیچ قیمتی حتی برای خود آنها در دنیا وجود نخواهد داشت و بی تفاوتی اکثریت نیز، مزید بر دوام و بقای دستورات دینی پیش ساخته بکشید و بسوزانید پایان ناپذیر خواهد بود، چون ظالمی را چو بینی بخت یار - عاقلان تسلیم کردند اختیار. اینجاست که وعده موهوم بهشت و جهنم و ناجی مندرج در کتاب های دینی، ابزاری پایان ناپذیر گردیده برای جهنم کردن دنیا! یادش به خیر مش قریون علی که بیاید به زعمای روسای جمهور و سازمان ملل، وامانده در مرداب متعفن افراط گرایی کمک کند تا دریابند از دید علم دموکراسی با هیچ دینی خوانائی ندارد (مگر آن که خود را طبق دستورات تورات مقدس (دوایم ۸-۱۷) با علم و تمدن روز تطبیق دهد) چون دین پیرو قوانین از پیش ساخته و دیدن و شنیدن بوسیله چشم و گوش دیگران است، در حالی که هر کس بخواند با چشم دیگران به بیند و با گوش دیگران بشنود ناپیدا و ناشناخت که نمونه های زنده آنرا می بینیم.

تا شاید روزی دنیا بیدار شود و نوشته های فتنه انگیز را از کتب ادیان حذف نماید. تا فردای فرداها دیوانه هائی دیوانه تر از دیروز سر بر نیاورند تا جهانیان بگویند رحمت به کفن دزده! و گر نه، تا روزی که پیروان ادیان به استناد و کتاب های خود انجام اعمال خلاف عقل و تمدن و علم روز را ثواب حتی وظیفه بدانند توقع و امید پیروی از استدلال و عقل سلیم نمی توان داشت مگر آن که به صورت جمعی یا فردی اینگونه نوشته های فتنه انگیز از کتاب ها و اذهان پیروان همه ادیان حذف گردد تا اسنادی و بهانه هائی برای اجرای آنها برای نسل حاضر و نسل های آینده باقی نماند چون،

رسم دنیا جمله تکرار است اندر کارها  
تا چه زاید عاقبت زین رسم و این تکرارها  
بس حوادث چشم ما بیند که نوپنداری مش  
لیک چشم پیر دنیا دیده آنرا بارها

نتیجه گیری، دوستان، خرافاتی مانند بهشت و جهنم و ناجی نکات کوچکی به نظر می آیند که بازده های منفی بزرگی داشته و خواهد داشت، (در تورات مقدس ابداء مطلبی در تائید وجود بهشت و جهنم و ظهور ناجی نیست و این باور کردن تفسیرهای گوناگون و نقل قول ها است که اذهان پیروان همه ادیان را آلوده نموده) صدای پای جهل جهانی دائر به تکرار حتمی فجایع تاریخی مانند جنگ های صلیبی و فرقه ای وسیع به گوش دوراندیشان می رسد.

آیا باید مانند موش های موش خوار آدم های آدمخوار مثل آدم خورهای شاه عباس یا پیش مرگان حسن صباح بوجود آورد و به دور از گفته شاعر که گفت:

من بد کنم و تو بد مکافات دهی؟  
پس فرق میان من و تو چیست بگو؟

مقابله به مثل کرد؟ یا فعلا در یک ناحیه جنگید تا بعدا در نواحی بیشتر دنیا سر برآورند؟ یا ریشه یابی نمود و موجبات ظلم را شناسائی و ریشه تنفر دینی و فرقه ای هزاران ساله را خشکاند؟ یا امروز در خاورمیانه و فردا در اروپا و آسیا و آفریقا و آمریکا و استرالیا و کانادا هر روز بدتر از دیروز شاهد ظلم بر علیه بشریت ماند؟

آری تکرار تاریخ به دلیل برطرف نشدن علت ظلم قبلی است، آیا فرضیه حذف نوشته های بی شمار فتنه انگیز کتب ادیان آرزویی است خیالی؟ خیر، اراده مفید بشر و زمان، مقتدرترین ناجی است و قدرت زمان مافوق قدرت هاست و بسیاری از حرف هائی که امروز گفته و نوشته می شوند دیروز کسی معلومات و جرات اظهار آن را نداشت بزودی سطر به سطر جمله به جمله نوشته های مذهبی آزادانه مورد بررسی و تائید یا تکذیب قرار خواهند گرفت، خواستن توانستن است. افسانه نیست، دنیا در دراز مدت واقف خواهد شد و شواهد و قوف آن ادامه کشت و کشتارهای بیپوده است، با قلم به جنگیم تا شاید جنگی نباشد. برنارد شاو ۱۸۵۶ - ۱۹۵۰ می گوید: تمام حقایق بزرگ دنیا در ابتدا توهین به مقدسات تلقی می گردد سپس به مسخره گرفته می شود در نهایت به عنوان امری بدیهی پذیرفته می شوند.

مولانا می گوید:

تا در طلب گوهر کانی، کانی  
تا در هوس لقمه نانی نانی  
این نکته رمز اگر بدانی دانی  
هر چیز که در جستن آئی آئی

دنیا بالاخره خواهد خواست تا عملی گردد هر چه زودتر، بدبختی کمتر چون غذائی که نسل های آینده را سالم نگه خواهد داشت آن نخواهد بود که خواهند خورد بلکه آن غذای سالم (نوشته هائی مفید) خواهد بود که آن را بهتر هضم و جذب

کنند، از تدریس مهمات در مدارس و محیط خانواده جلوگیری کنیم تا نسل های آینده دچار تحمل فجایع تکراری نگردند، این امید و اعتقاد به واقعیت تفسیرها و قصه هاست که واقع بینی را در ذهن مدعیان ادیان زایل کرده و خواهد کرد. دنیا را نگاه کنید، آیا هرگز کسی تصور می کرد اروپا اینگونه دگرگون گردد که صاحب خانه فراری و مهمانان ناخوانده خانه را بر سر خود و صاحب خانه خراب کنند؟

در دهه ۱۹۴۰/۵۰ دوران عبدالناصر، حدود هشتصد هزار نفر یهودیان را از کشورهای عربی دست خالی اخراج و مسیحیان سکوت کردند امروز، آن یهودیان در رفاهند و مجریان ظلم و مسیحیان بی توجه آن ممالک در عذاب!؟

امروز نیز بسیاری از یهودیان، شهرهای نامن اروپا را ترک می کنند و یقیناً گروههایی از یهودی ستیزان، همانها که با نازی ها هم کاری می کردند خوشحالند غافل از اینکه بزودی خود آنها نیز گرفتار و کلیساهای ایشان مورد تجاوز قرار خواهد گرفت و به یاد خواهند آورد که نی مولر کشیش آلمانی که ابتدا هوادار نازیسم بود و بعد مخالف شد و به زندان افتاد گفته بود.

در ابتدای قدرت گرفتن نازیسم کمونیست ها را کشتند و ما سکوت کردیم و گفتیم ما که کمونیست نیستیم بعد کولی ها را کشتند و ما گفتیم ما که کولی نیستیم بعد یهودیان را کشتند و ما سکوت کردیم و گفتیم ما که یهودی نیستیم. وقتی به سراغ ما آمدند دیگر کسی نمانده بود که از ما دفاع کند!!

دنیا در مقابل دست اندازی خرابکاران در ممالک و نقاط مختلف سکوت کرد امروز در همه جا بخصوص در خانه های خودشان سر برآورده اند، اینجاست که گفته اند: چنانچه با دیدن ظلم به دیگران بی تفاوت بمانی قطعاً مورد ستم قرار خواهی گرفت، دنیا را نگاه کنید هیچ حیوانی نمی دارد روا - آنچه نامردمان با جان انسان می کنند

به یاد مقاله مارک تواین ۱۸۳۵، ۱۹۱۰ نویسنده و شخصیت برجسته ادبیات آمریکا افتادم که با دیدن وحشی گری های نوع بشر، ضمن مقاله نامه های زمینی تحت عنوان نژاد انسانی نفرین شده است نوشته بود: «طبع جنگ جوئی و ظلم، انسان را به پست ترین موجود (احقر مخلوقات) نه عالی ترین (اشرف مخلوقات) سوق داده. او می نویسد، من بارها ویژه گی ها و تمایلات حیوانات را بررسی و آنها را با خصوصیات انسان مقایسه کرده ام، نتیجه برای من تحقیرآمیز بوده است، زیرا مرا وادار می سازد تا وفاداری خود به فرصه داروین یعنی والائی و فراز انسان از حیوان، را انکار نمایم، از این رو برای من روشن است که فرصه داروین باید جای خود را به فرضیه های نوین و واقعی تر زیر عنوان فرود انسان از حیوان دهد. برای رسیدن به این پی آمد ناگوار، من به حدس و گمان و تصور تکیه نکردم، بلکه مدت ها در باغ وحش لندن به چیزی که آن را روش علمی می گویند پرداختم تا دانستم نژاد انسانی یک الگوی ویژه همانند خود است و نمی توان او را با هیچ کدام از موجودات دیگر درآمیخت، او تنها حیوانی است که در برابر مزدی ناچیز به گشتار هم نوعانی که هیچ آسیبی به او نرسانده اند می پردازد، در صحنه روزگار حتی یک جریب زمین نمی توان یافت که در اختیار صاحب واقعی آن باشد یا از دست یک مالک با زور و خون ریزی و قلدری به مالک دیگر نیفتاده باشد، تجربه به من ثابت کرده که انسان موجود نابخردی است، به سابقه اش نگاه کنید! تاریخچه اش افسانه ای جنون آمیز است و نیرومندترین دلیل علیه هوشمندی او، سابقه ای است که در پشت سر دارد» امروز مدهیان عدالت دینی در قرن بیست یکم کودکان و زنان آزاده دیروز را می فروشند! خریداران چه کسانی هستند؟ ثروتمندان نفتی!

آیا روزی می رسد که منابع طبیعی دنیا زیر نظر بانک جهانی ملی و مشمول تامین سعادت همگان گردد؟ تا منابعی برای تامین بودجه شریان در میان نباشد یا امیدی نیست چون به قول مارک تواین نژاد انسانی نفرین شده است و فرق است میان انسان و انسان بودن و،

**درختی که تلخ است وی را سرشت گرش بر نشانی به باغ بهشت**

**و راز جوی خلدش به هنگام آب به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب**

**سرانجام گوهر به بار نآورد همان میوه تلخ بار آورد**

چاره چیست؟ باید سکوت کرد تا بعضی از شهرهای اروپا مانند سوریه امروز گردد؟ مدارا کرد و هر سال گفت دریغ از پارسال؟ موقعی که ورزش کاران اسرائیلی را در مونیخ کشتند در سوریه و لیبی و عراق (خانه های امن تروریست های دیروز، ویرانه خانه های ظلم امروز آنها) جشن گرفتند غافل از اینکه،

**بدخواه کسان به هیچ مقصد نرسد یک بد نکند تا به خودش صد نرسد**

آری به گفته و اسلاوهاول ۱۹۳۶-۲۰۱۱ فیلسوف و رئیس جمهور سابق چک اسلواکی: **آنجا که تعصب اندیشیدن را موقوف کند پلیدی رخ می دهد.**

زیرکی را گفتم این احوال بین خندید و گفت - صعب روزی، بوالعجب کاری پریشان عالمی. راه گریز کدام است؟ دست از تعصب کشیدن و حذف همه نوشته های فتنه انگیز ادیان، آیا عملی است؟ به حکم زمان آری شدت اعمال ننگین افراطیون ادیان خود هشدار می دهد است برای درک واقعیات و گرنه آتش همان و کاسه همان.

واقعا در دنیائی خطرناک زندگی می کنیم. می گویند یکی از رجال دوران ناصری از ناصرالدین شاه که از مهمانی مراجعت می کرده سؤال می کند، انشاءالله به قیله عالم خوش گذشته باشد؟ شاه در جواب می گوید مجلس خر تو خری بود ما هم تشریف داشتیم!! آری دنیای شیر تو شیر می است ما هم تشریف داریم خوش به حال بی خیال ها افسوس که،

کفش من از برون سو نکوست      ولی رنج من از درون سوی اوست

ندانی ز پاپوش زیبای من      چه ها می کشد بی نوا پای من

به خندید دانای والا تمیز      که چشم تو بر ظاهر است ای عزیز

شخص نابینائی از دانشمندی سؤال می کند چیزی بدتر از دست دادن بینائی هست؟ دانا جواب می دهد آری از دست دادن بصیرت. وای به روزی که فردی چشم بصیرت نداشته باشد و دین را به جای عقل بنشانند، که بازده هر روزی آنرا شاهدیم، در هر دینی به رنگی. دنیا به جای جنگیدن ها و پاک کردن اشک های بشر امروزی، موجبات اشک ریختن ها را از کتاب ها و اذهان عمومی پاک کند و گرنه تاریخ ها ناگزیر از تکرار خواهند بود. خواستن اولین قدم آفریدن است.

برای دریافت کپی این مقاله و سایر مقالات

نورالله گبای به وبسایت [BabaNouri.com](http://BabaNouri.com) مراجعه کنید.